

راهبرد نفوذ دشمن و فرهنگ دفاعی جمهوری اسلامی ایران

Shahram_Esfandiyari@yahoo.com

شهرام اسفندیار / کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه مازندران

Belbasi.Meisam@ut.ac.ir

میشم بلباسی / دانشجوی دکتری مطالعات انقلاب اسلامی دانشگاه تهران

دریافت: ۱۳۹۸/۰۲/۱۳ - پذیرش: ۱۳۹۸/۰۷/۱۰

چکیده

با پیروزی انقلاب اسلامی، دستگاه محاسباتی دشمن نشانه‌های متقنی از فروپاشی نظم مطلوب خود را مشاهده کرد و تمام توان خود را برای مهار، انحراف و براندازی آن به کار بست. یکی از راهبردهای مقابله، اتخاذ رویکردهای نرم بود که به واسطه فنون پیچیده‌ای از جمله نفوذ، در دستور کار قرار گرفت. در این شرایط، جمهوری اسلامی تلاش نموده است تا با بهره‌گیری از ظرفیت‌های دینی و فرهنگی ملت ایران و توجه به نگاه ايجابی رهبران انقلاب، رخنه‌گاه‌های نفوذ دشمن را مسدود کند. این مقاله، با روش توصیفی - تحلیلی، به دنبال پاسخ به این پرسش است که تأثیرگذاری راهبرد نفوذ دشمن در فرهنگ دفاعی ایران دارای چه ابعادی است؟ یافته‌های پژوهش حاکی از این است که دشمن در این مسیر دو هدف کلان و عملیاتی را در نظر دارد: در هدف کلان به دنبال استحاله و تضعیف ارکان اساسی فرهنگ دفاعی کشور بوده و در هدف عملیاتی، تأثیرگذاری بنیادین بر موضوعاتی همچون ولایت‌فقیه، آرمان‌های انقلاب، پایگاه مردمی فرهنگ دفاعی، بنیه دفاعی، پشتیبانی مردم و دولت از نیروهای مسلح، فرهنگ جهاد و شهادت، تفکر و عمل انقلابی، هندسه جایگاه دوست و دشمن و... را دنبال می‌کند.

کلیدواژه‌ها: جمهوری اسلامی ایران، نفوذ، فرهنگ، فرهنگ دفاعی، آیت‌الله خامنه‌ای.

۱. مقدمه

نظام جمهوری اسلامی ایران از ابتدا، بر بنیاد نفی سلطه و وابستگی به قدرت‌های بزرگ شرق و غرب شکل گرفت. شعار «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی»، تجلی برجسته این حقیقت بود که دیگر اراده کشورهای چون آمریکا و شوروی در تصمیم‌گیری‌های این کشور نقشی نخواهد داشت. تجلی این استقلال‌طلبی ملت ایران کافی بود تا نظام سلطه جهانی که بر مبنای زیاده‌خواهی و استیلای بر سایر کشورها شکل گرفته است، پیروزی انقلاب اسلامی را به‌مثابه تهدیدی برای منافع خود در منطقه غرب آسیا تعریف کند و به مقابله با آن برخیزد (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۴، ص ۷۹). اما دشمنی جبهه استکبار با نظام ج.ا.ایران در سال‌های اخیر، وارد مرحله جدید و پیچیده‌تری شده است، به‌گونه‌ای که مقام معظم رهبری برنامه دشمن جهت مقابله با انقلاب اسلامی را به سه مرحله «براندازی»، «استحاله» و «نفوذ» تقسیم می‌کنند که به ترتیب تاریخی رخ داده‌اند. بر اساس بیانات معظم‌له، ضرورت تلاش دشمن برای نفوذ را می‌توان ناشی از دو عامل مهم دانست: نخست، عدم توفیق دشمن در سایر گزینه‌های تغییر رفتار جمهوری اسلامی ایران. دیگری، تقابل و تخصص طبیعی نظام اسلامی و نظام سلطه که صرفاً با تغییر سبک زندگی و مدیریت نظام و تمایل یا منطبق شدن آن با سبک زندگی دشمن، تقابل این دو جبهه به صورت ریشه‌ای از بین خواهد رفت. در غیر این صورت، دشمنی همچنان باقی است.

جامعه دفاعی کشور، از جمله استحكاماتی است که در مقابل تخصصات دشمنان نظام اسلامی قرار گرفته است و رسوخ و نفوذ در آن، می‌تواند قدرت داخلی و اقتدار خارجی جمهوری اسلامی ایران را با چالش‌های اساسی مواجه سازد. فرهنگ دفاعی کشور، از مقوماتی تشکیل شده است که در یک نمای کلی به سرمایه انسانی، محتوای فرهنگی و تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیرندگان خدمات تقسیم می‌شود. دشمن درصدد است تا در هر یک از این عناصر به نحوی نفوذ کند تا کارکرد آن، خودانتحاری یا همزاد شدن با فرهنگ مهاجم شود و انقلاب ایران را از موضع مهاجم به جایگاه منفعلانه، تابع و آسیب‌پذیر سوق دهد.

هدف این پژوهش، این است تا ضمن بیان دیدگاه‌های نظریه‌پردازان جبهه دشمن، به ابعاد مختلف نفوذ دشمن و زمینه‌های آن بپردازد. براین اساس، سؤال اصلی پژوهش عبارت است از: تأثیرگذاری راهبرد نفوذ دشمن در فرهنگ دفاعی جمهوری اسلامی ایران دارای چه ابعادی است؟ اهمیت این پژوهش در این است که اولاً، ما در مرحله پیچ تاریخی انقلاب اسلامی با هجمه‌ای وسیع و پیچیده از جنگ نرم دشمن و نفوذ بنیادین در ارکان انقلاب اسلامی مواجهیم. ثانیاً، دشمن تلاش می‌کند از طریق سست کردن سازه‌های فرهنگی، خصومت خود را در درون نهادهای قدرت‌ساز و اقتدارآفرین جمهوری اسلامی ایران بازتولید کند.

۲. چارچوب مفهومی پژوهش

الف. مفهوم‌شناسی فرهنگ: فرهنگ از جمله مفاهیمی است که امروزه بیشترین حجم تعاریف درباره آن وجود

دارد. اما در نگاه کلان از فرهنگ، به‌عنوان مجموعه‌ای کیفی شامل ارزش‌ها، فرآورده‌های هنری، مذهبی، فلسفی، ذوقی و عاطفی یاد می‌کنند که ضامن حیات جوامع انسانی و تمدن بشری است (اخوان کاظمی، ۱۳۸۶). فرهنگ به‌مثابه یکی از اجزای اصلی زیست جمعی بشر، چنان ظرفیتی دارد که می‌توان از آن به‌عنوان «جعبه ابزاری» نام برد که می‌تواند به اقدامات و رفتارها، شکل و سازمان دهد (عسگری، ۱۳۹۰، ص ۶۴). اگر از تعاریف گوناگون فرهنگ صرف‌نظر کرده و قدر مشترک آنها را مدنظر قرار دهیم، باید فرهنگ را «هنر خوب عمل کردن در ابعاد گوناگون زندگی بشری» بدانیم (مطهرنیا، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۶۶).

ب. مفهوم‌شناسی دفاع: «دفاع» در لغت به‌معنی دور کردن از کسی، دفع کردن از کسی بازداشتن و پس زدن، حفظ کردن چیزی از دستبرد دشمن، برای جلوگیری از حمله، پاسخ طرف مقابل در هر دعوا می‌باشد (پریشان، ۱۳۹۴، ص ۲۲). در اصطلاح دفاع، نظام یا الگویی مرتبط با ساخت و کارکرد روانی است که از طریق آن فرد یا گروه واکنش لازم را جهت مقاومت یا دفع خطر خیالی یا واقعی به‌منظور حفظ تعادل و تمامیت خود نشان می‌دهد (کوهپای، ۱۳۷۸، ج ۳، ص ۱۷۹). در مبانی دینی نیز دفاع به‌عنوان نیازی حیاتی که موجب رشد و بالندگی و امنیت و هدایت جامعه می‌شود، تعریف شده است که در صورت ترک یا سستی در آن، پیامدهایی چون خواری، زبونی، افزایش توطئه‌ها، گرفتاری‌ها و انواع بلاها و فتنه‌ها، سلب شدن قدرت تفکر و تصمیم‌گیری جامعه و... را در پی خواهد داشت (درویش‌شانی، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۱۵۱).

ج. مفهوم‌شناسی فرهنگ دفاعی: با توجه به تعاریف آمده از فرهنگ و دفاع، فرهنگ دفاعی؛ یعنی هنر خوب عمل کردن در امر دفاع و استفاده بهینه از مجموعه دستاوردهای مادی و معنوی برای حفاظت از چیزی که قصد دفاع از آن را داریم؛ بدین معنا که در تاریخ هر قوم و نژاد بشری، مجموعه‌ای از بایدها و نبایدها تجلی می‌یابند. بایدها بر مبنای تجارب مثبت مادی و معنوی و در کلامی صریح، تجارب خوب استوار است و بعکس، نبایدها بازتابی از تجارب منفی مادی و معنوی یا تجارب بد می‌باشند. با تکیه بر چنین برداشتی، فرهنگ دفاعی؛ یعنی هنر دفع خطر بر اساس موازین و معیارهای مکتبی و در معنای وسیع آن، یعنی هنر خوب دفاع کردن، اجرای سیاست‌های مشخص و استراتژی معین و استفاده بهینه از ابزار مادی و معنوی که منجر به یک دفاع شایسته و مبتنی بر ارزش‌های حاکم بر جامعه باشد (مطهرنیا، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۶۶).

د. مفهوم‌شناسی نفوذ: «نفوذ» در لغت به‌معنای رخنه، داخل شدن، راه یافتن نهانی، اثر کردن، سرایت، راهیابی، جاری شدن، تحقق یافتن، اعتبار، قدرت و توانایی آمده است (بابایی، ۱۳۹۶). معادل لاتین نفوذ، واژه «Influence» است که در لغت به‌معنای کنش یا قدرتی است که یک نتیجه‌ای را بدون اعمال آشکار زور یا بدون اعمال مستقیم فرمان، تولید می‌کند. در اصطلاح، عبارت است از: اعمالی که مستقیم یا غیرمستقیم موجب تغییر در رفتار یا نظرات دیگران می‌شوند (الوانی، ۱۳۸۶، ص ۱۴۲). از آنجاکه مفهوم «قدرت» نیز ناظر بر توانایی تغییر رفتار نیز هست، برای روشن شدن مفهوم اصطلاحی «نفوذ»، ابتدا به واکاو کیلیدواژه قدرت می‌پردازیم.

به‌طور کلی، قدرت را توانایی نفوذ در دیگران برای انجام کارها و توانایی به دست آوردن نتایجی که شخص خواهان آن است، تعریف کرده‌اند (عاملی، ۱۳۸۹، ص ۲۵). هرچند توافق برای ارائه تعریفی واحد از قدرت، دشوار است، اما عناصری همچون «وجود رابطه یا روابط بین افراد و گروه‌ها»، «آمریت و اطاعت»، «کاربرد اراده انسانی»، «تحصیل هدف و نفع» و «کنترل رفتار»، باید در تشریح مفهوم «قدرت» در نظر گرفته شوند (مرادیان، ۱۳۹۱، ص ۱۷۹). از این منظر، می‌توان گفت: قدرت سه چهره دارد: نخست، قدرت ممکن است دربرگیرنده توانایی تأثیر گذاشتن یا نفوذ گذاشتن بر تصمیمات در حال گرفتن باشد. دوم، قدرت ممکن است در توانایی تعیین دستور کار سیاسی و از این راه، جلوگیری از گرفتن تصمیمات انعکاس یابد. سوم، قدرت ممکن است شکل کنترل کردن اندیشه‌های مردم از راه دستکاری در نیازها و ترجیحات آنها باشد (قوم، ۱۳۹۰، ص ۱۸۴).

در دانش سیاسی، قدرت نه به‌مثابه ویژگی ذاتی و درونی بازیگران سیاسی، بلکه به‌مثابه «رابطه میان آنها» بررسی می‌شود. بنابراین، مسئله اصلی در بحث قدرت، احتمال تأثیرگذاری و تعیین رفتار است. از این منظر، قدرت با مفاهیمی چون نفوذ ارتباط پیدا می‌کند. از این‌رو، نفوذ، شکلی نامرئی و ظریف از قدرت است که از طریق تسخیر و مهار دستگاه محاسباتی و نظام تصمیم‌گیری یک فرد، گروه، دولت و... اعمال می‌شود؛ به این معنا که آن مؤلفه‌ای که موجب عملیاتی شدن و عینیت یافتن قدرت می‌شود، نفوذ است (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۴، ص ۱۷). بنابراین، می‌توان گفت: نفوذ نوعی رابطه میان بازیگرانی است که به موجب آن یک بازیگر، بازیگران دیگر را وامی‌دارد تا به طریقی که خواست خود آنها نیست، عمل کنند (آقابخشی و افشاری‌راد، ۱۳۸۳، ص ۳۱۴).

۳. مبانی نظری پژوهش

قدرت دارای دو وجه نفوذ و زور است: وجه نفوذ بیشتر جنبه ذهنی دارد و کشورها و دولت‌ها سعی می‌کنند با اعمال نفوذ بر دیگران، قدرت خود را به کار گیرند و اراده خود را تحقق بخشند. وجه نفوذ، همان مؤلفه‌ای است که از آن به «قدرت نرم» یاد می‌شود (طالعی حور و بهرامی، ۱۳۹۶، ص ۷۴). به لحاظ نظری، نفوذ را می‌توان تأثیرگذاری جریان، اندیشه و منافع گروهی خاص بر یک امت، کشور، جامعه یا گروه موردی دانست که با اعمال قدرت نرم خود که در آن، از خشونت و اجبار فیزیکی برخوردار نیست، بر مواضع و نقاط حساس و راهبردی آن کشور یا جریان تأثیر غیرمستقیم و در برخی موارد مستقیم می‌گذارد. البته باید در نظر داشت که سناریوسازی نفوذ و ایجاد بسترهای مناسب برای نفوذ تأثیرگذار، امری زمان‌بر و نیازمند شناخت کامل جامعه هدف است (قربی، ۱۳۹۶). نظریه نفوذ، به تبیین ماهیت انواع نفوذ (سخت، نیمه‌سخت، نرم و مرکب)، به‌مثابه یک راهبرد جایگزین تهدید می‌پردازد. بنابراین، در این قسمت از مقاله سعی می‌شود به چهار طیف اصلی نفوذ اشاره شود:

الف. نفوذ سخت (سنتی)

ویژگی‌های اصلی نفوذ سخت یا سنتی، بهره‌گیری از منابع سخت برای تأثیرگذاری بر حریف است. قلمرو و میدان

نفوذ عمدتاً شامل فضای عینی و واقعی می‌شود. عمل نفوذ نیز به صورت مأموریت‌محور صورت می‌گیرد. ماهیت نفوذ نیز امنیتی و اطلاعاتی است و کارکرد اصلی آن، عمدتاً جمع‌آوری اطلاعات و اخبار و شناسایی نقاط ضعف و قوت حریف برای مهار و کنترل است. روش جمع‌آوری نیز به همان روش که از ابتدای خلقت تأمین می‌شد؛ یعنی اطلاعات انسانی و اطلاعات فیزیکی از طریق مشاهده مستقیم محدود بود. از این رو، نوع نفوذ، موردی است و به صورت رخنه‌عامل یا همان جاسوس در جامعه هدف و یا جذب‌عامل؛ یعنی جاسوس‌گیری از جامعه هدف با تهدید و تطمیع است. بازیگران نفوذ، دولت‌ها هستند که از طریق سرویس‌های اطلاعاتی تحت پوشش مستشاری و مبلغان مذهبی عمل می‌کنند. به دلیل رهیافت اثبات‌گرایی در نفوذ سنتی، افکار انسان در این دوره موضوعیت نداشت (باقری چوکامی، ۱۳۹۶).

ب. نفوذ نیمه‌سخت

«نفوذ نیمه‌سخت» همانند تهدید نیمه‌سخت، وابسته‌سازی تمامی سیستم‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی کشور هدف را با روش دیگر و عمدتاً به شکل جریانی، شبکه‌ای و عمدتاً راهبردی دنبال می‌کند. همان‌گونه که گذشت، در تهدید نیمه‌سخت فشار دائمی، رو به تزاید فرساینده و خسته‌کننده سیستم‌ها نهایتاً طرف مقابل را به تسلیم و همکاری وادار می‌کند. آنچنان که باوجود پرهیز عده‌ای از مردم از سیستم‌های اندروید، استارت‌آپ و تلفن‌های هوشمند در بدو امر، به دلیل ظن قوی جاسوسی، به تدریج همه به استفاده از این سیستم‌ها تن داده‌اند. نقش نفوذ نیمه‌سخت اولاً، تأمین اهداف تهدید نیمه‌سخت به روشی متفاوت و سهل و ثانیاً، کمک به شکستن سریع‌تر مقاومت طرف مقابل در این دوران گذار است که با سه راهبرد عمده دنبال می‌شود. دوم موانع جایگزینی سیستم‌های وابسته به‌جای سیستم‌های مستقل بومی شناسایی و برطرف می‌گردد تا اینکه جایگزینی تمهید و تسهیل شود. سوم آنکه گردانندگان و مجریان اصلی برخوردار از تفکر اصیل و بومی که ماهیتاً با سیستم‌های وابسته همگرایی و همخوانی ندارند با عناصر همگرا که ماهیتاً وابسته هستند، جایگزین می‌شوند. در این نوع نفوذ بعکس نفوذ سخت، سیستم‌ها و عوامل نفوذی وابستگی صریح به بیگانه نداشته و قابل‌شناسایی و برخورد نیستند (احمدیان، ۱۳۹۴، ص ۴۵).

ج. نفوذ نرم

«نفوذ نرم» بعکس نفوذ سخت و نیمه‌سخت، مستقیماً به افراد یا سیستم‌های سیاسی و حتی اقتصادی و فرهنگی نمی‌پردازد، بلکه با استفاده از آموزه‌های جنگ نرم، اختلال در دستگاه محاسباتی مسئولان و خالی کردن کشور از عناصر قدرت را که این سیستم‌ها از دو طریق استحاله یا بمباران اطلاعاتی دنبال می‌کند. در این نوع نفوذ که به صورت جریانی، اجتماعی و عملیاتی و راهبردی است، عوامل نفوذی اصولاً جزو خودی محسوب می‌شوند و قابل تفکیک نیستند (فرهادی و همکاران، ۱۳۹۷).

د. نفوذ مرکب

«نفوذ مرکب»، در تناظر با تهدید مرکب، ترکیبی سیال و هوشمند از سه نفوذ سخت، نیمه‌سخت و نرم در هر یک از سه بُعد سیاسی، فرهنگی و اقتصادی یک سیستم اجتماعی است که به‌طور همزمان اعمال می‌شود و متناسب با وضعیت، یکی از سه نوع نفوذ را شدت بیشتری می‌بخشد (احمدیان، ۱۳۹۴، ص ۳۵-۳۶).

جدول ۱. سطح، ابزار، آماج، اهداف و عرصه‌ها در انواع «نفوذ»

شاخص‌ها	نفوذ سخت	نفوذ نیمه‌سخت	نفوذ نرم	نفوذ مرکب
سطح نفوذ	موردی (فردی)، عمدتاً تاکتیکی	جریانی، شبکه‌ای، عمدتاً راهبردی	جریانی، اجتماعی، عملیاتی و راهبردی	ترکیب هر سه
ابزار	اغواء، تهدید و تطمیع	سیستم‌های عامل سیاسی، اقتصادی و فرهنگی + سیستم امنیتی + تربیت متولیان سیستم‌ها	ذهن، فکر و قلب با تمرکز بر نخبگان و مسئولان تصمیم‌ساز	ترکیبی از سه نفوذ (سخت، نیمه‌سخت و نرم)
آماج	افراد مهم و دارای دسترس	سیستم‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی	استحاله و یا بهاران اطلاعاتی	هر یک از سه آماج فوق بنا به شرایط
اهداف	جمع‌آوری اطلاعات و جلب همکاری	از خود کردن سیستم‌ها و وابسته سازی آنها	اخلال در دستگاه محاسباتی مسئولان و خالی کردن کشور از مؤلفه‌های قدرت	خالی شدن حریف از عناصر قدرت جهت تسلط و پیروزی بی‌منازه و کامل و یا ترجیحاً تصرف کامل اندیشه و گرایش آنان جهت تن دادن به تسلیم در جنگ سخت، نیمه‌سخت و نرم
عرصه سیاسی	تأمین اهداف تهدید سخت به روشی دیگر تسهیل، تمهید و تسریع خرید جاسوس‌گیری یا استخدام همکار در نظام سیاسی	تأمین اهداف تهدید نیمه‌سخت به روشی دیگر و تسهیل، تمهید و تسریع ابعاد سیستم سیاسی وابسته و غیرمستقل از طریق نفوذ در مراکز تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی	تأمین اهداف تهدید نرم به روشی دیگر و تسهیل و تمهید ایدئولوژی زدایی و اصول زدایی از سیاست و حذف گرایش و گویش انقلابی از آن	ترکیبی هوشمند از هر سه نفوذ سخت، نیمه‌سخت و نرم متناسب با شرایط
عرصه فرهنگی	تسهیل، تمهید و تسریع فریب و اغواء به همراه تهدید و تطمیع	تسهیل، تمهید و تسریع و ایجاد سیستم فرهنگی وابسته از طریق جایگزینی نظام فرهنگ دینی یا سیستم فرهنگی همگرا و وابسته	تسهیل و تمهید و اندلسیزاسیون	ترکیبی هوشمند از هر سه نفوذ سخت، نیمه‌سخت و نرم متناسب با شرایط
عرصه اقتصادی	تسهیل، تمهید و تسریع خرید جاسوس و منبع، ضربه به اهداف و منافع اقتصادی	تسهیل، تمهید و ایجاد سیستم اقتصادی سرمایه‌داری وابسته	تسهیل و تمهید حاکمیت اندیشه و فرهنگ اقتصادی وابسته	ترکیبی هوشمند از هر سه نفوذ (سخت، نیمه‌سخت و نرم) متناسب با شرایط

۴. روش پژوهش

این پژوهش بر اساس هدف، نظری و توسعه‌ای و بر اساس ماهیت و روش، توصیفی - تحلیلی و تفسیری است. این روش، تلاش دارد با بهره‌گیری از کلمات برای انتقال تصویر ذهنی مسئله اصلی، شرحی از زاویه نگاه وصف‌کننده ارائه

دهد (استراوس و کریبن، ۱۳۹۴، ص ۳۷)، تا از مواد خام و آگاهی‌های موجود، تحلیل و تفسیری منطبق بر امر واقع انجام شود (مارش و استوکر، ۱۳۸۴، ص ۲۲۶). تکنیک‌های جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش، با استفاده از روش ترکیبی است؛ یعنی از منابع کتابخانه‌ای، مجلات و مقالات معتبر تخصصی استفاده می‌شود.

۵. یافته‌های تحقیق و تجزیه و تحلیل

۵-۱. انواع نفوذ

الف. نفوذ موردی: اولین و ساده‌ترین نوع نفوذ، «نفوذ موردی و انفرادی» است. در این شیوه، عامل نفوذی ممکن است با برنامه‌ریزی و آمادگی قبلی و به صورت هدفمند در سیستم رخنه کند و یا ممکن است افرادی مستعد در درون سیستم را شناسایی و در فرایند تعامل با وی، برنامه‌های نفوذ را پی بگیرند (پیشان، ۱۳۹۴، ص ۹۴).

ب. نفوذ جریان‌ی: مسیر دیگر نفوذ که بسیار پیچیده‌تر و زیان‌بارتر از روش اول است، «نفوذ جریان‌ی و شبکه‌ای» است که در آن، جریان انسانی گسترده ولی پنهان از عناصر نفوذگر که ارتباط وسیعی میان خود دارند، وارد محیط حریف شده و با بهره‌گیری از بسترهای موجود، سعی می‌کنند مسیر جامعه را تغییر دهند. اگر نفوذ انفرادی، به دنبال جهت‌دهی به معدودی از نخبگان بود، نفوذ شبکه‌ای عموم جامعه را هدف گرفته و فرایندی فراگیر را تعقیب می‌کند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۴، ص ۲۶).

۵-۲. صورت‌های عملیاتی نفوذ دشمنان

الف. نفوذ سیاسی: امروزه در عرصه سیاسی، نفوذ از اهمیت بسیاری برخوردار است. اگر در گذشته نظامیان با نفوذ در خطوط مقدم دشمن و رخنه در دیوار دفاعی، بر آن بودند تا از درون موجب فروپاشی یک دیوار دفاعی از انسان و ابزارهای دفاعی باشند، امروز بیشترین کارکرد نفوذ در عرصه سیاسی و فرهنگی است تا افکار و عقاید و احساسات ملتی را تغییر دهند و از درون، استقامت و مقاومت ملتی را خرد کرده و از هم بپاشند (حاذق، ۱۳۹۴، ص ۴۹). در نفوذ سیاسی، دشمن با اجرای برنامه‌ای حساب شده، مسالمت‌آمیز و بلندمدت، تغییر فرهنگ سیاسی و نگرش‌های سیاسی جامعه، رخنه در ارکان سیاسی یک نظام برای تغییر رفتار و خطمشی‌ها و یا ایجاد تغییر و تحول اساسی در ارزش‌های سیاسی حاکم بر کارگزاران و نخبگان سیاسی و در نهایت، تغییر سیستم سیاسی یک کشور را دنبال می‌کند (باقری چوکامی، ۱۳۹۲، ص ۲۹۷). در جمهوری اسلامی ایران نیز تلاش برای تغییر ادراک و اخلاق در دستگاه محاسباتی تصمیم‌گیری و یا تصمیم‌سازی نظام، از جمله رویکردهایی بوده است که همواره در کوران حوادث سیاسی، توسط نظام سلطه علیه نظام جمهوری اسلامی مورد استفاده قرار گرفته است. براین اساس، تلاش کرده‌اند رویکرد نخبگان سیاسی کشور را با اعمال فشارها و تهدیدات فزاینده به سویی تغییر دهند که آنان احساس کنند که «هزینه» تقابل با غرب و ایستادگی بر آرمان‌های انقلاب اسلامی، بیشتر از «فایده‌های» آن است. در حقیقت، سردمداران نظام سلطه در این حوزه، معتقد به شکل گرفتن «فرایند گذار» در ایران هستند. گذاری که در آن درک شود که شعار «مرگ بر آمریکا» و انکار

هولوکاست توسط رهبران ایران و تهدید اسرائیل به نابودی و دادن اسلحه به حزب‌الله و کارهایی از این دست، از ایران در چشم بخش اعظم جهانیان، کشوری طردشده می‌سازد (طالعی حور و رستمی، ۱۳۹۶، ص ۷۷).

ب. نفوذ فرهنگی و اجتماعی: یکی از مهم‌ترین راهبردهای دشمن در حوزه تهدید نرم، نفوذ فرهنگی و اجتماعی است. به‌طور کلی، نفوذ فرهنگی و اجتماعی بر بهره‌برداری خردمندانانه از روش‌های مختلف و هدف‌دار یا اتخاذ سازوکارهای راهبردی توسط نفوذگر در جهت ارتقای هم‌نوایی و تبعیت در گروه مخاطب به دور از روش‌های تحمیلی و زورمدارانه دلالت دارد (محصص، ۱۳۹۵). از این منظر، در عرصه فرهنگی دو راه نفوذ وجود دارد که هر دو نیز مبتنی بر اصول روان‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی است. یکی، راه سطحی که بیشتر در عوام مردم مؤثر است و زود به نتیجه می‌رسد و دیگری، راه ریشه‌ای و بنیادین که در بلندمدت نتیجه می‌دهد و در میانی شناخت، فکر و آگاهی مردم اثر می‌گذارد (فیض و همکاران، ۱۳۹۴). در نفوذ فرهنگی و اجتماعی، دین، آداب و رسوم، شیوه و سبک زندگی، باورها و ارزش‌های مردم مورد هدف قرار می‌گیرد. در واقع، در نفوذ فرهنگی، هدف، تغییر و تبدیل ذائقه فرهنگی است، نه ارتباط برقرار کردن با این فرهنگ (کریمی، ۱۳۹۵، ص ۲۴).

ج. نفوذ اقتصادی: نفوذ اقتصادی، به‌معنای تسلط بر ارکان اقتصادی یک کشور است، به‌نحوی که مدیریت اقتصاد از جانب عنصر مسلط بر اقتصاد کشور مقصد، تحمیل شده و مدیریت این امور به دست کشور نفوذکننده و سلطه‌گر باشد. زمانی که از نفوذ اقتصادی صحبت می‌شود؛ به این معناست که کشور مبدأ و نفوذکننده، سعی دارد ظرفیت‌ها، ساختارها، قابلیت‌ها، استعدادهای و ابزارهایش، به عبارتی قابلیت‌های اقتصادی کشور مقصد را در اختیار خودش قرار دهد و آن را وسیله‌ای برای توسعه‌طلبی سیاست‌ها و مطامع خود بداند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۴، ص ۱۳۵).

د. نفوذ امنیتی: نفوذ امنیتی، در حقیقت تعبیه حفره‌های امنیتی متعدد، در ابعاد انسانی و ابزاری سازمان‌یافته در موضوعات مختلف ملی است که با تمسک به حفره‌های یادشده، رخنه و جلب در به‌کارگیری و بهره‌برداری توسط دشمن در بالاترین سطح خود انجام می‌گیرد (صالحی، ۱۳۹۶، ص ۹). در نفوذ امنیتی، تمرکز دشمن غالباً جنبه سخت‌افزاری داشته و نهادهای نظامی و انتظامی و به‌طور کلی نیروهای مسلح هدف‌گذاری می‌شوند. در این نوع نفوذ، نفوذگران با ابزارها و شیوه‌های اطلاعاتی سعی در جاسوسی، خرابکاری و براندازی داشته (پریشان، ۱۳۹۴، ص ۱۰۰) و تلاش می‌کنند تا از طرق مختلف از توانایی‌های نظامی یک کشور و نیز ضعف‌های آن کسب اطلاعات نمایند تا در زمان مناسب، امنیت آن کشور را مورد خطر قرار دهند.

۳-۵. راهبردهای نفوذ دشمن در فرهنگ دفاعی جمهوری اسلامی ایران

فرهنگ دفاعی جمهوری اسلامی از ساختی سه لایه شکل گرفته است که از حیث زیرساختی؛ مردم‌بنیان و در لایه میانی؛ مشتمل بر فیزیک قدرت از قبیل تسلیحات و فنون نظامی و در روبنا؛ متصل به امداد غیبی و نصرت الهی و آسمانی است. بنابراین، اثر کنشی و واکنشی این سه لایه بر یکدیگر اجتناب‌ناپذیر است. با وقوع انقلاب اسلامی و تحول عمومی و عمیق در نهادهای فرهنگی، فرهنگ دفاعی کشور که طی قرون اخیر به شدت آسیب دیده بود،

احیاء و قوام یافت. به‌گونه‌ای که گرایش به دفاع اسلامی و جهاد مقدس، ایثارگری و شهادت‌طلبی، گفتمانی را رقم زد که توانست یکی از شدیدترین و طولانی‌ترین جنگ‌های تحمیل شده علیه ایران را که به پشتوانه بیش از سی کشور قدرتمند جهان به ایران تحمیل شد، به خوبی اداره و دشمن را در سرزمین خود زمین‌گیر نماید؛ و بعد از دو قرن، اولین جنگی باشد که با وجود گستردگی آن، تمامیت ارضی کشور حفظ شود و متجاوزین را به شکست و بازگشت مجبور کند. بدین ترتیب، دشمن به ارتباط وثیق مردم و سامانه دفاعی کشور با امداد الهی و روحیه تمسک و توسل رزمندگان پی برد و با شناخت تقاطع فرهنگ و اعتقاد به‌عنوان زیربنا و دفاع به‌عنوان ربنای دفاع اسلامی، تلاش کرد که از بستر فرهنگ به قله‌های فرهنگ دفاعی نفوذ کند. غرب برای حفظ خود در مقابل امواج جهانی انقلاب ایران متحد شد و تهاجمات وسیعی را علیه هر سه لایه از فرهنگ عمومی و دفاعی کشور آغاز کرد که در ادامه، به مهم‌ترین اهداف این هجمه در حوزه فرهنگ دفاعی اشاره خواهیم کرد:

الف. استحاله فرهنگ دفاعی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، دشمن با امواج بلندی از تحولات مواجه شد و تلاش کرد تا به مقابله با آن بپردازد. بنابراین، رفتارهای خشن و پرسروصدایی همچون جنگ تحمیلی، کودتاها و رفتارهای تجزیه‌طلبانه را در دستور کار خود قرار داد. ولی با گذشت زمان، ضمن محول کردن مأموریت شناخت ماهیتی انقلاب اسلامی به مراکز مطالعاتی و اندیشه‌های خود، تلاش کرد که با ورود به جزئیات و زیرساخت‌های فرهنگی کشور، تغییر و استحاله باورها، جهان‌بینی مردم و سبک زندگی آنان را مورد هدف قرار دهد. در این مرحله، دشمن با شناخت پیشران‌های ارزش‌محور، تلاش خود را بر تغییر جایگاه ارزش با صدآرزو و معروف با منکر به کار بست، به‌گونه‌ای که معروف در افکار به‌عنوان یک عمل نادرست و منکر، به‌عنوان یک رفتار متمدنانه و خردمندانه تلقی شود.

رهبر انقلاب اسلامی با منسوخ دانستن و شکست راهبردهای گذشته جبهه دشمن، در این خصوص می‌فرماید: جهان غرب قبلاً ما را به تهاجم نظامی تهدید می‌کردند، اما الان اعتراف می‌کنند که نقشه قبلی‌شان غلط بوده است. آنها می‌گویند نقشه باید این باشد که ما بتوانیم از درون، ملت ایران را استحاله کنیم. آنها دنبال این هستند. استحاله هم دو جریان دارد: یک جریان فرهنگی، یک جریان سیاسی. ملت ایران متوجه باشد. قصد نظام استکباری آمریکا و صهیونیست‌هایی که دستشان در دست آنهاست و با هم در یک جبهه هستند، این است که بتوانند ملت را نسبت به آرمان‌ها و عقاید و هدف‌هایشان بی‌تفاوت و بی‌اعتنا کنند و بعد بتوانند به وسیله عوامل و مزدوران خود زمینه را برای بازگشت سیطره آمریکا بر ایران فراهم نمایند (بیانات رهبر انقلاب در خطبه‌های نماز جمعه تهران ۲۳/آبان/۱۳۸۲).

ب. تضعیف فرهنگ دفاعی

دومین هدف کلان دشمن، توجه به نقاط قوت فرهنگ برخاسته از انقلاب اسلامی است. سازه دفاعی جمهوری اسلامی ایران از دو بال ارتش و سپاه، پیشرانی همچون بسیج مردمی و هدایتگری ولی‌فقیه برخوردار است که در

کالبد خود، فرهنگ دفاعی ویژه‌ای را شکل داده است. در این فرهنگ، فرمانده از مردم و در مردم است، با آنان زندگی می‌کند و به آنان عشق می‌ورزد. حاضر است آسایش و جان خود را در طریق حفظ وطن و مؤمنان نثار کند. او مسئولیت را بر مقام ترجیح می‌دهد و فرماندهی را نه حکمرانی و برتری‌جویی، بلکه جایگاهی برای بیشتر تلاش کردن و کمتر برخوردار شدن می‌داند. فرمانده بر تقید و التزام به خواسته‌ها بر دیگران پیشی می‌گیرد؛ به‌گونه‌ای که عملش بر سخنش مقدم می‌شود. در این فرهنگ، نه تنها عدالت‌محوری و زیست مساوی رعایت می‌شود، بلکه ارزش‌های بر عدالت مقدم می‌شود، به‌گونه‌ای که برخورداران و صاحبان حق، از حق قطعی خود چشم‌پوشی نموده و آن را به سایرین می‌بخشند. این رفتارهای جهادی، به وسیله آرمان‌های بزرگی چون نهضت عاشورا و انتظار پشتیبانی می‌شود و در عصر غیبت منجی نه تنها از حرکت باز نمی‌ایستند، بلکه در سلوکی مؤمنانه، دین و سیاست را در کنار یکدیگر می‌بینند و تلاش می‌کند تا در سطوح مختلف این دو را همزاد یکدیگر قرار دهد. دشمن برای تهاجم به این ذخیره راهبردی از تسلیحات فرهنگی استفاده و تلاش می‌کند تا با استتار تمام نظام تمایلات، باورها و علایق نیروهای انقلاب را به‌گونه‌ای تغییر دهد تا این گزاره‌ها رنگ‌باخته و عناصر وحدت‌بخش و شوق‌آفرین جای خود را به باورهای جداپندارانه، خودپرترین، حُب نفس، مادی‌گرایی، طماعی و... بدهد.

مقام معظم رهبری درباره نقشه دشمن برای تهاجم به این سازه مهم می‌فرمایند:

امروز دشمنان ما به شکل مبنایی با مباحثی که پایه جمهوری اسلامی است دارند دست‌وپنجه نرم می‌کنند. به قول خودشان دارند تفکر ضد جمهوری اسلامی را تئوریزه می‌کنند. در واقع برای تفکر سیطره استکباری دنیای استکبار و در رأس آنها آمریکا بر همه جهان دارند پایه فکری درست می‌کنند. آنچه مربوط به ایمان مردم است، آنچه مربوط به حقانیت اسلام و قرآن و احکام الهی است، آنچه مربوط به درآمیختگی و وحدت دین و سیاست است، آنچه مربوط به مبانی خاص جمهوری اسلامی است، همه اینها مورد چالش است و این چالش به شکل بسیار جدی دارد دنبال می‌شود (بیانات رهبر انقلاب در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۷/ شهریور/ ۱۳۸۴).

۵-۴. اهداف عملیاتی دشمن در نفوذ به فرهنگ دفاعی جمهوری اسلامی ایران

اهداف عملیاتی دشمن برای نفوذ به فرهنگ دفاعی جمهوری اسلامی، طیف گسترده‌ای را شامل می‌شود که در این مقاله به تشریح برخی از مهم‌ترین ابعاد آنها می‌پردازیم:

الف. تضعیف ولایت و ولایت‌محوری

پس از انقلاب مشروطه، فقدان رهبری دینی، یکی از خلأهای تشکیلاتی در به ثمر نشستن انقلاب مردم ایران بود. حضرت امام خمینی^ع با بر عهده گرفتن رهبری قیام، انقلاب ملت را از سرکوب، انحراف و یا تأخیر نجات بخشید و با منطق رهبری دینی بر ضدانقلاب فائق آمد. موفقیت این رهبری دینی که در قالب «ولایت مطلقه فقیه» ظهور کرد، در ایجاد جامعه مبتنی بر امام و امت، مدیریت جنگ تحمیلی، دستیابی به رتبه‌های ممتاز جهانی در زمینه‌های

گوناگون، مقاومت در مقابل تحریم‌های طولانی و گسترده، الهام‌بخشی به شرق و غرب و... دشمنان را بر آن داشت تا به مخاصمه نظری و عملی با این اصل مترقی بپردازند. این مواجهه از پیچیده‌ترین اشکال مخاصمه برخوردار شد و نه تنها از تربیون‌های عمومی، بلکه با استفاده از نحل‌های از تفکرات سنتی در حوزه‌های علمیه نیز تلاش شد تا با تشریحی بودن ولایت‌فقیه مخالفت شود.

هنری پرشت، مسئول سابق میز ایران در وزارت امور خارجه آمریکا، در خصوص این هدف عملیاتی دشمن چنین اظهار نظر می‌کند:

اگر موجی که در مطبوعات ایران، با تز امکان ارتباط با آمریکا شروع شد و حالا به تردید در اساسی‌ترین وجوه انقلاب اسلامی مشغول است، بتواند از حریم روحانیت عبور کند و از آن طریق ولایت‌فقیه را بر کشتی تردید سوار نماید، بار سنگینی از دوش آمریکا برداشته خواهد شد. این بار سنگین، همان است که امروز ایران را از غرب دور نگه داشته و امکان صلح با اسرائیل را تا حد زیادی تنزل داده است (غضنفری، ۱۳۸۰، ص ۴۳۶).

استانلی روم، معاون رئیس سازمان امنیت ملی آمریکا نیز در خصوص نقش بی‌بدیل رهبری در معادلات جمهوری اسلامی ایران می‌گوید:

آنچه تاکنون همه تحرکات ما را برای براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران با ناکامی مواجه ساخته است، اعتقاد مردم ایران به ولایت فقیه است؛ چراکه ولایت برای ما و گنجینه‌های اطلاعاتی ما یک واژه بی‌تعریف است. به طوری که ما به هیچ وجه نمی‌توانیم محل حضور و حتی میزان برد احکام ولی فقیه را پیش‌بینی کنیم (لطیفی پاکده، ۱۳۸۶، ص ۱۲۶).

ب. تحریف اندیشه‌ها و آرمان‌های بنیان‌گذار نظام جمهوری اسلامی

روشن است که بخش اعظم فرهنگ انقلاب اسلامی و به تبع آن، شاخصه‌های فرهنگ دفاعی کشور نظیر استکبارستیزی، مخالفت با سلطه‌طلبی و سلطه‌گری، دفاع همه‌جانبه، مقاومت و پایداری و... نشئت گرفته از آرمان‌های امام خمینی^ع بوده و طبیعتاً دشمن با درک این مهم، در تلاش است تا این منبع مقاومت در برابر نفوذ و نیز تأثیرگذاری انقلاب اسلامی را از بین ببرد (کرمی، ۱۳۹۵، ص ۲۹). هنری کسینجر، استراتژیست آمریکایی معتقد است:

بعد از جنگ‌های صلیبی بین اسلام و اروپاییان، تنها کشوری که اسلام را زنده کرد، ایران بود که با ظهور انقلاب اسلامی به رهبری آیت‌الله خمینی آن را به تمام دنیا انتشار داد و سرچشمه و منبع توزیع اسلام گردید (ساجدی، ۱۳۸۸، ص ۳۲۰).

در سال‌های اخیر همه‌های سنگینی علیه راه و مکتب انقلابی امام خمینی^ع به راه افتاده و جریان‌های رسانه‌ای خارجی و بعضاً داخلی، تلاش مضاعفی را برای تحریف اندیشه‌های انقلابی ایشان آغاز کردند. این همه‌ها تا آنجا شدت یافت که مقام معظم رهبری به موضوع ورود کرده و خطر تحریف شخصیت و اندیشه حضرت امام^ع را جدی اعلام نمودند (حسینی و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۱۳۳).

ج. تغییر هندسی جایگاه دوست و دشمن

انقلاب اسلامی ایران به موازات فراگیر شدن، از جبهه ضداسلامی براثت جست و به همین دلیل، از پیدایش تا پیروزی و تثبیت، مورد تهاجم قرار گرفت. در این سال‌ها دشمن، استکبارستیزی و سلطه‌ناپذیری ملت ایران را مانعی برای دستیابی به اهداف خود دیده و بنابراین تلاش کرده است تا این ویژگی مهم را که از مؤلفه‌های راهبردی فرهنگ دفاعی کشور محسوب می‌شود، از ادبیات و گفتمان جمهوری اسلامی حذف و یا کم‌رنگ نماید. در نتیجه، پروژه‌هایی برای تظهير چهره سفاک استکبار در ذهن ملت ایران با عاملیت جریان‌هایی از داخل و استفاده از مکانیسم‌های غیردولتی مانند بورس تحصیلی، قدرت رسانه‌ای و... آغاز شد تا زمینه برای بازگشت استعمار به ایران فراهم شود.

براین اساس، مهم‌ترین خطر پیش روی نظام جمهوری اسلامی در زمینه نفوذ دشمن، تغییر فکر و دیدگاه کلی جامعه ایران نسبت به جبهه استکبار، جهان غرب و در رأس آن آمریکا است (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۴، ص ۱۲۷). در این میان، «دیپلماسی فرهنگی» به‌عنوان یکی از مکانیسم‌های شاخص جهت تغییر هندسی جایگاه دوست و دشمن مورد استفاده قرار گرفته است. دیپلماسی فرهنگی، تحت شرایط خاصی به‌منزله استفاده از مؤلفه‌های فرهنگی متفاوت است که مردم خارجی، صاحب‌نظران و حتی رهبران خارجی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. این مؤلفه‌ها، همه ویژگی‌های موجود در فرهنگ را به صورت هنر، تحصیلات، عقاید و نظرات، تاریخ، علم، پزشکی، فناوری، مذهب، آداب و رسوم، رفتارها، تجارت، نوع دوستی، ورزش، زبان، مشاغل حرفه‌ای، سرگرمی‌ها و... بیان می‌کنند. دیپلماسی فرهنگی، به دنبال استفاده از این مؤلفه‌هاست تا بتواند به چند روش خارجی‌ها را تحت تأثیر قرار دهد: دیدگاه مثبتی از آمریکا، مردم، فرهنگ و سیاست آن داشته باشند؛ همکاری و مشارکت بیشتری با آمریکا برقرار کنند؛ سیاست‌های دولت‌های خارجی را تغییر دهند؛ در زمینه‌های خارجی تغییرات سیاسی یا فرهنگی ایجاد کنند و دشمنان خارجی را متوقف کنند، آنها را مدیریت کنند و بر آنها چیره شوند (والر، ۱۳۹۴، ص ۸۹).

د. تضعیف پایگاه مردمی فرهنگ دفاعی

اگرچه وقوع انقلاب اسلامی، تغییرات گسترده و عمیق سیاسی، اجتماعی و... را در ساختارهای جامعه و روند جامعه‌سازی ایجاد نمود، اما بی‌تردید به دلیل ماهیت انقلاب اسلامی، مردمی‌سازی امور به‌ویژه در مقوله دفاع و امنیت از مهم‌ترین این تغییرات به‌شمار می‌رود. اقداماتی همچون تأسیس بسیج و ارتش بیست میلیونی برای مشارکت همگانی توده‌های مردمی در حفاظت از دستاوردهای انقلاب اسلامی و برقراری امنیت اجتماعی، تشکیل سپاه پاسداران برای حفاظت از دستاوردهای انقلاب و نیز برخی دیگر از سازمان‌ها و نهادها را باید در این راستا تحلیل کرد (لطفی مرزناکی، ۱۳۹۴، ص ۱۰۳). اساساً نقش محوری و کانونی ایده مردمی کردن قوای مسلح و تشکیل بسیج و ارتش بیست میلیونی در سیاست دفاعی جمهوری اسلامی ایران را باید در ایدئولوژی حاکم بر انقلاب اسلامی و اندیشه رهبران آن به‌عنوان یکی از منابع مهم تدوین سیاست دفاعی جست‌وجو کرد. عصاره سخن امام خمینی^ع و مقام معظم رهبری، مفهوم کلیدی «دفاع همه‌جانبه» مبتنی بر الگوی بسیج مردمی است که

رهاورد آن، تحقق نوعی بازدارندگی مردمی خواهد بود. در چارچوب بازدارندگی مردمی حاصل از بسیج مردمی در قالب بسیج و ارتش بیست میلیونی، کشور می‌کوشد با افزایش منابع انسانی، قدرت داخلی، قدرت بسیج یافته و در دسترس خود را به دشمن نشان داده تا از این رهگذر، زمینه‌های برقراری و تأمین امنیت ملی را فراهم آورد (قیصری و خضری، ۱۳۹۵، ص ۶۶-۶۵). در این عرصه، به میزانی که رفتار و منش بسیجی در جامعه نهادینه شود، دفاع اسلامی - ایرانی از قدرت و تداوری بالنده‌تری برخوردار خواهد شد. در مقابل، دشمن تلاش خواهد کرد که اولاً، گرایش مردم به عضویت در بسیج تضعیف شود و در گام بعد، با تصویرسازی رادیکال و مبعوضانه از بسیج، مردم را نسبت به بسیج و بسیجیان بدبین نماید.

و. تضعیف فرهنگ جهاد، ایثار و شهادت

دشمن با تشخیص و درک این نکته مبنی بر اینکه تا زمانی که فرهنگ ایثار و شهادت بر نظام جمهوری اسلامی حاکم است، حوادث و اتفاقات مقطعی نمی‌تواند آسیب چندانی به آن وارد کند، در تلاش است تا محاسبات مادی و نفع شخصی و فردی را جایگزین معادله ایثار و شهادت کند. طبیعتاً اگر فرهنگ ایثار و شهادت جای خود را به نفع شخصی بدهد، غرب و آمریکا چون منابع مادی و اقتصادی بالاتری را در اختیار دارند، خواهند توانست جهت‌گیری‌های افراد را تحت تأثیر قرار دهند (کریمی، ۱۳۹۵، ص ۳۲). مایکل برانت، یکی از معاونان سابق سازمان اطلاعاتی مرکزی آمریکا در کتاب *نقشه‌ای برای جدایی مکاتب الهی* ضمن اشاره به تأثیرگذاری قدرت رهبر مذهبی و فرهنگ شهادت در انقلاب ایران، اظهار می‌دارد:

یکی دیگر از مواردی که باید روی آن کار می‌کردیم موضوع فرهنگ عاشورا و شهادت‌طلبی بود که هر ساله شیعیان با برگزاری مراسمی این فرهنگ را زنده نگه می‌دارند. این برای ما از اهمیت زیادی برخوردار است؛ زیرا از همین عزاداری و مجالس است که در میان شیعه، جوش و خروش آزادی‌خواهی و جنگ با باطل به خاطر حق، به وجود می‌آید (خاتمی، ۱۳۹۱، ص ۱۱).

ک. تضعیف خودباوری، اعتمادبه‌نفس و روحیه ملی

مبنای تعالی و پیشرفت یک جامعه را خودباوری و ایمان به داشته‌هایی تشکیل می‌دهد که ملت‌ها، طی حیات سیاسی و اجتماعی خود کسب می‌کنند. هرگونه بی‌توجهی به میراث غنی تاریخی، می‌تواند تولید ضعف کند و از این طریق تسلط و پیروزی و نفوذ دشمنان را فراهم آورد (افتخاری، ۱۳۹۱، ص ۱۲۵). در این میان، دشمن تلاش می‌کند تا درباره‌ی درستی باورهای اصیل تردید افکنی کرده و سوءتفاهم به وجود آورد. برای نمونه، دشمن تلاش می‌کند تا توانایی ملی را در برخورد با مشکلات، ناچیز معرفی کرده و انجام تصمیمات سخت برای عبور از مشکلات توهمی را منطقی جلوه دهد (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۴، ص ۱۲۰). در حقیقت خودباوری و اعتمادبه‌نفس دیدگاهی است که به افراد و جامعه اجازه می‌دهد از خود تصویری مثبت و واقعی بسازند. در این رویکرد، به دلیل اینکه پشتیبان اصلی، قدرت علی‌الطلاق جهان دانسته می‌شود، اعتمادبه‌نفس و جسارت ویژه‌ای برای کارهای بزرگ

و دور از انتظار به افراد داده می‌شود. این جسارت و اعتمادبه‌نفس، موجب ایجاد روحیه «ما می‌توانیم» خواهد شد (لطیفی و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۱۷).

ل. تضعیف اقتدار نظامی و بنیه دفاعی

اقتدار ملی، مقوله‌ای است که متأثر از رشد و توسعه مؤلفه‌های مختلفی از جمله قدرت نظامی، قدرت اقتصادی، قدرت سیاسی، قدرت اجتماعی و فرهنگی و مانند آن است. در این میان، اقتدار نظامی از اهمیت بسزایی برخوردار است؛ زیرا امنیت هر کشور و هر ملتی در درجه اول، در گرو قدرت نظامی آن کشور و آن ملت است و در صورت استقرار امنیت در سطح کشور، امکان ایجاد امنیت در سایر زمینه‌ها و افزایش قدرت اقتصادی و سیاسی و... فراهم می‌آید (آشتیانی، ۱۳۹۰). در این میان، باور به قدرتمندی، یکی از کلیدی‌ترین نقاطی است که مورد تهاجم دشمن قرار دارد و غرب به رهبری آمریکا پس از شکست در متقاعد نمودن ایران به مذاکره در این زمینه تلاش دارد تا محاسبات مردم و مسئولان جمهوری اسلامی ایران را در خصوص افزایش درون‌زای قدرت بازدارندگی موشکی، منحرف کند (طاهری، ۱۳۹۵، ص ۷۵). راهبرد دشمن برای تضعیف این مؤلفه، در دو بخش مردم و مسئولان دنبال می‌شود. مردم با حضور جمعی خود در راهپیمایی‌ها و مناسبت‌ها، رأی دادن به گفتمان‌های حاضر در انتخابات، تاب‌آوری نتایج مقاومت و تحمل نامالیمات اقتصادی، پرورش استعدادها، تحصیلی در حوزه نخبگان دفاعی و حمایت از فرایندهای پشتیبان دفاعی، سبک زندگی و فرهنگ عمومی (علاقیق، انتظارات، الگوی مصرف و کار و...) نقش آفرین خواهند بود. از سوی دیگر، سوگیری مسئولان نیز می‌تواند بر اندیشه‌های عمومی تأثیر افزایشی و یا کاهنده برجای گذارد. یکی از مهم‌ترین تأثیرات این سطح را می‌توان در کاهش و یا افزایش اعتمادبه‌نفس و باور به توانستن جست‌وجو کرد. در هر صورت و بر اساس حدیث شریف «الناس علی دین ملوکهم»، مردم نیز بر روش و مسیر حاکمان سیوروت می‌نمایند و با تغییر جهت‌گیری مسئولان و اتخاذ سیاست‌های غیرمقاومتی، رفته‌رفته مردم نیز دچار کاهش اهتمام و تقید می‌شوند. این چرخه در طول زمان ادامه می‌یابد تا اینکه کشور از نظر بنیه دفاعی، در شرایط آسیب‌پذیر قرار می‌گیرد و در امتداد آن، اقتدار درون‌زای خود را از دست خواهد داد.

م. تضعیف تفکر انقلابی و القای پایان دوران انقلابی‌گری (نرمالیزه کردن انقلاب)

یکی دیگر از تکنیک‌های دشمن برای نفوذ و بی‌اثر کردن فرهنگ دفاعی، استفاده از ادبیات و چهره‌های ظاهراً داخلی و تمسک به استدلال‌های مبتنی بر مقتضیات زمان و مکان است. در این مسیر، دشمن به دنبال القای این موضوع است که دیگر، پایان کار انقلاب فرارسیده و انقلاب اسلامی پس از عبور از هیجانات ابتدایی خود می‌باید کنش‌های انقلابی را کنار گذاشته و حرکت خود را با نظام بین‌الملل و ساختارهای تعریف شده جهانی هماهنگ کرده و به اصطلاح عقلانی رفتار کند. از این‌رو، جبهه دشمن تمام ظرفیت‌های خود را به کار گرفته است تا انقلاب اسلامی را از هویت انقلابی خود تهی کرده و به حالت بازگشت به عقب (ارتجاع) برساند و به سمت نرمالیزه کردن

پیش ببرد (حسینی و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۱۲۹). دشمن در این مسیر، از چهره‌های داخلی به‌عنوان تسهیل‌گر استفاده می‌کند؛ افرادی که بعضاً دارای سابقه انقلابی بوده و به مرور زمان به دلیل تغییر نظام تمایلاتشان، دوران انقلابی‌گری و مواضع انقلابی را پایان یافته تلقی می‌کنند. نشانه‌های این خواسته دشمن را در سخنان رئیس‌جمهور سابق آمریکا می‌توان یافت، آنجا که می‌گوید:

در داخل ایران باید گذار صورت بگیرد. حتی اگر تدریجی باشد. گذاری که طی آن درک شود که شعار مرگ بر آمریکا و انکار هولوکاست توسط رهبران ایران و تهدید اسرائیل به نابودی و دادن اسلحه به حزب‌الله؛ گروهی که در فهرست تروریستی قرار دارد و کارهایی از این دست، از ایران در چشم بخش اعظم جهانیان، کشوری پردرندسته می‌سازد (پریشان، ۱۳۹۴، ص ۱۳۶).

گ. تضعیف پشتیبانی مردم و دولت از نیروهای مسلح

پشتیبانی مردم و دولت از نیروهای مسلح، از مؤلفه‌های مهم فرهنگ دفاعی جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود. این کانون‌های قدرت، به دلیل درهم تنیدگی از خاصیت تأثیر و تأثر برخوردارند، به‌گونه‌ای که از سویی، نیروهای مسلح به‌عنوان بازوان توانمند دولت و مردم در تأمین امنیت جامعه، در پشتیبانی از استراتژی‌های ملی و سیاست‌های داخلی نقش حیاتی داشته و موجبات اقتدار نظام اسلامی را به وجود خواهند آورد. از سوی دیگر، رئیس‌جمهور به‌عنوان ریاست شوارهای عالی و متولی بودجه‌نویسی و بودجه‌ریزی کشور به‌واسطه رأی مردم که حاصل بینش و ذائقه آنان است، انتخاب می‌شود. پس از انتخاب، منشور فکری خود را در خدمت معادله دوست کیست؟ دشمن کجاست؟ قرار می‌دهد. رئیس دولت به اتفاق همکارانش اولویت‌های اجرایی کشور، از جمله بخش دفاع را تعیین می‌کنند. این اولویت‌گذاری در قامت میزان بودجه، محل هزینه کرد و اینکه در صنایع نظامی چه سیاست‌ها و پروژه‌هایی تعریف، حمایت و یا متوقف شود، آشکار می‌شود. بنابراین، اگر فرهنگ مردم دچار از خودبیگانگی شده و به سوی انتخاب گفتمان‌های متمایل به عادی‌سازی روابط و هضم در جبهه غرب به پیش رود. آنگاه در تنگنا قرار گرفتن بخش دفاع را در همه جهات (بودجه، خرید، تولید و...) شاهد خواهیم بود. رهبر انقلاب، در این خصوص می‌فرماید:

امروز ارتش و مجموعه نیروهای مسلح ما احساس قدرت می‌کنند؛ زیرا ملت حامی و پشتیبان آنهاست. موفقیت در جایی است که ملت پشت سر مسئولین و بازوهای کارآمد نظام باشد (بیانات رهبر انقلاب در دیدار ستاد مشترک ارتش ۰۹/مرداد/۱۳۷۰).

پ. تضعیف راهبرد اقتصاد مقاومتی و عدم استفاده از ظرفیت‌های داخلی

یکی از مؤلفه‌های مهم در فرهنگ دفاعی جمهوری اسلامی ایران، استفاده از همه ظرفیت‌ها و بهره‌گیری از امکانات داخلی برای رسیدن به اهداف عالی انقلاب است. در این مسیر، با اعتقاد به شعار «ما می‌توانیم» که محصول جسارت، خودباوری و اعتمادبه‌نفس است، از همه ظرفیت‌ها و امکانات موجود، در جهت نیل به اهداف استفاده می‌گردد. رهبر انقلاب اسلامی، عزت در مسائل اقتصادی را به صورت مشخص و روشن با قدرت خودکفایی نظام پیوند می‌زند و اعتقاد دارند که چشم دوختن به دست‌های بیگانه برای برطرف کردن نیازهای ملی،

خواری و ذلت به همراه خواهد داشت. درعین حال، تأمین برخی کالاهای مورد نیاز جامعه از معاملات جهانی که با عزت و احترام باشد، مورد تأیید است. پس مغلوب شدن اقتصادی در برابر قدرت‌های جهانی نیز نوعی ذلت و حقارت است و لازمه‌هایی از این ذلت، خودکفایی و استقلال نسبی در کالاهای مورد نیاز جامعه است و هرگاه ملتی به سوی استقلال و خوداتکایی گام نهند، در نهایت پیروز گشته و از عزت و اقتدار برخوردار می‌شوند و نمونه این موضوع، جمهوری اسلامی ایران است (قربی، ۱۳۹۵). حال دشمن با استفاده از تبلیغات اقتصادی، ترویج مُدگرایی و تضعیف زیرساخت‌های فناورانه و مواد خام از طریق تحریم، تقویت جریان قاچاق و واردکنندگان کالاهای خارجی، خدشه به اعتمادبه‌نفس تولیدکنندگان، تضعیف سیاست‌های حمایت از تولید داخل، ترویج واگرایی مردم از همکاری با صنایع تولیدی دفاعی، افزایش هزینه همکاری و خوف در بین مرتبطین و زنجیره تأمین و کاهش انگیزه‌های معنوی همکاران دفاعی و... تلاش می‌کند تا این رویکرد مقاومتی را با شکست مواجه سازد.

ن. تغییر ذائقه فرهنگی

یکی از برنامه‌های مهم دشمن در حوزه فرهنگ جامعه، به‌طور عام و فرهنگ دفاعی به‌طور خاص، زمینه‌سازی برای تغییر ذائقه فرهنگی جامعه است. همان‌گونه که جوزف نای با خوشحالی از سلوهای جین آبی جوانان شوروی یا پخش سریال‌های آمریکایی در تلویزیون نیکاراگوئه در حین تضاد با حکومت آمریکا و آهنگ و شوه‌های تلویزیونی، به‌عنوان اثرات و منابع قدرت نرم آمریکا یاد می‌کرد، اینک نیز همان الگوی فرهنگی برای تغییر ارزش‌های فرهنگی و فرهنگ دفاعی ما به کار می‌رود (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۴، ص ۱۱۴)؛ چراکه دشمن معتقد است: «اگر ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی جمهوری اسلامی ایران را از آن بگیرند، حکومتی می‌شود مانند هر دار و دسته مسلح دیگر. پیکار فرهنگی در واقع نفی جوهره و ماهیت نظام جمهوری اسلامی است» (ساجدی، ۱۳۸۸، ص ۳۴۳). دیوید کیو، مأمور سازمان سیا، در دیدار با برخی از عناصر ضدانقلاب می‌گوید: «مهم‌ترین حرکت در براندازی جمهوری اسلامی ایران، تغییر فرهنگ جامعه ایران است و ما مصمم به انجام آن هستیم» (خرم، ۱۳۷۶، ص ۱۸). بنابراین، ما با یک تهاجم و جنگ حقیقی سازمان‌یافته مواجه هستیم که از راه‌های مختلف و بسیار هنرمندانه به اجرا گذاشته شده است و کسانی که نسبت به مسائل فرهنگی حساسیت دارند، متوجه مسئله تهاجم فرهنگی خواهند شد و نشانه‌های بارز و بی‌شماری را در این زمینه مشاهده خواهند کرد (جوانی، ۱۳۸۷، ص ۷۷). اگرچه تغییر ذائقه فرهنگی به صورت تدریجی و در بلندمدت شکل می‌گیرد، اما زمانی که ذائقه‌های فرهنگ دفاعی تغییر کند، معیارها و ملاک‌های تشخیص و الگوهای رفتاری نیز تغییر خواهد کرد. در چنین شرایطی، مرزهای خودی و غیرخودی، دشمن و دوست، انقلابی و غیرانقلابی، مستکبر و مستضعف، مقاومت و سازش جابه‌جا می‌شود و ملاک تشخیص خود این مفاهیم، بر اساس معیارهایی صورت می‌گیرد که دشمن برای او معرفی کرده است (پریشان، ۱۳۹۴، ص ۱۴۰-۱۴۱).

ت. تضعیف روحیه دفاع و مقاومت

ایستادگی و مقاومت و عزم و ارادهٔ راسخ در مقابل سلطه و زیاده‌خواهی‌های بیگانگان، از شاخص‌های کلیدی فرهنگ

دفاعی جمهوری اسلامی ایران است که به شدت مورد توجه دشمنان قرار گرفته است (هزواهای و حیدری، ۱۳۹۱، ص ۱۸۷). دشمن متناسب با برآوردی که از عظمت این مانع در مسیر تسلط بر ایران اسلامی مشاهده کرده است، قوای سیاسی، نظامی، امنیتی، اقتصادی و عملیات روانی خود را متمرکز نموده و در تلاش است تا این دژ تسخیرناپذیر را با تکنیک‌هایی همچون: افزایش فشارهای اقتصادی و فناورانه از طریق تحریم برای کاهش مقاومت‌گرایی، راه‌اندازی موضوعات قومیتی برای گسستن صفوف اتحاد؛ تخریب شخصیت‌های مدافع مقاومت؛ ایجاد جنگ روانی با ادعای صرف نمودن منافع و سرمایه‌های ملی ایران برای کشورهای منطقه؛ اسناد مشکلات داخلی و مدیریتی کشور به ریشه مقاومت و مصادره آن به‌عنوان هزینه‌های مقاومت و مواردی از این قبیل در اختیار بگیرد.

۵. شناسایی و تحریک تنوعات و شکاف‌های قومی و مذهبی

شکاف‌های گروهی ریشه‌دار، اجازه گردآمدن نیازها، ارزش‌ها و علایق ملی را نمی‌دهد و هر گروه قومی، هویت جمعی خاص خود را بر اساس ارزش‌ها و علایق گروهی به جای ارزش‌ها و علایق ملی ایجاد می‌کند. در این حالت، غلبه ارزش‌های گروهی به صورت فعالیت‌های سیاسی آشکار از قبیل جنبش‌های جدایی‌طلب که خواستار مشروعیت سرزمینی جداگانه، به‌معنای استقلال و خودمختاری از یک واحد ارضی بزرگ‌ترند، بروز می‌کند (کریمی مله، ۱۳۹۳، ص ۵۴-۵۵). اگرچه در نظام جمهوری اسلامی ایران مقوله «قومیت» و «مذهب» هیچ‌گاه مانع شناسایی و اعطای حقوق مسلم اقوام ایرانی نبوده و در این زمینه دو شاخص «اسلامیت» و «ایرانیت» را ملحوظ قرار داده است (متقی و همکاران، ۱۳۹۳). اما دشمنان انقلاب اسلامی از دیرباز و به‌ویژه از پیروزی انقلاب اسلامی تلاش مضاعفی را به کار بستند تا از تفاوت‌های قومیتی، گویش و... به‌عنوان گسلی واگرا استفاده کنند که اوج آن در دهه اول انقلاب و با تحرکاتی از قبیل خلق عرب، جریان‌های منتسب به کردگرایی و آذری‌گرایی، بلوچ و ترکمن‌گرایی شاهد بودیم. بی‌شک، یکپارچگی تمامی قومیت‌ها و مذاهب و دل‌بستگی آنها به نظام سیاسی که برابند آن انسجام ملی است، فرصتی بی‌بدیل و عامل قدرتی تعیین‌کننده به‌شمار می‌آید (لطفی مرزناکی، ۱۳۹۴، ص ۱۴۶). اما دشمن از نارضایتی‌ها، رقابت‌های مبتنی بر هوای نفس، قدرت‌طلبی‌ها و رفتارهای فرهنگی ناصحیح و بعضاً تحقیرکننده برای ایجاد شقاق، واگرایی و در نهایت، تخریب ساخت قدرت داخلی استفاده می‌کند که نتیجه این رویدادها، کاهش قدرت دفاعی و رشد آسیب‌پذیری‌های کشور خواهد بود.

۶. نتیجه‌گیری

انقلاب اسلامی ایران، جوانه‌ای برآمده از تفکر اسلام ناب بود که بر اصلاح باطن و تحول ظاهر استوار شد. در این مدل از سیاست‌ورزی، همه تلاش‌ها در هدایت قدرت برای خدمت به انسان متعالی و تسلط گفتمان اسلامی نهفته است. لذا انقلاب اسلامی در ایران، به‌واسطه بهره‌مندی از رهبری مصلح و امتی برخوردار از شعور انقلابی، تمام ساخته‌های گفتمان انسان‌گرا و لذت‌جوی پهلوی را که به تقلید از لیبرالیسم غربی شکل گرفته بود، از هم گسیخت

و جمهوریت اسلام‌طلب را بر مقدرات کشور حاکم نمود. پرداختن به ریشه شکل‌گیری انقلاب این نکته را به ذهن متبادر می‌کند که نظام تا زمانی در اقتدار قرار خواهد داشت که اولاً، خود عامل و منادی ارزش‌های پیش‌گفته باشد. ثانیاً، مردم و شهروندان خواهان و پذیرای این نوع از حکمرانی باشند. در این مقاله، نقاط تهاجم و نفوذ دشمن، به نقطه تلافی هویت انقلاب و نهاد دفاع نظامی آن؛ یعنی نیروهای مسلح کشور، خطوط تهاجمی دشمن و برخی از نیات آشکار شده استراتژیست‌های دشمن برای نفوذ و رسوخ در ساختارها و حمله به کیان فرهنگ دفاعی جمهوری اسلامی تشریح شد و در نهایت، به این نتیجه رسیدیم که:

- جمهوری اسلامی ایران به دلیل نماد پرنده‌ای و دویبندی خود، باید همزمان به دفاع از دو وجه فیزیک سیاسی و روح ایدئولوژیک خود که از باطن ارزش‌های اسلامی سر برآورده است، توجه نماید.

- خاک‌ریز نبرد بخش دفاعی کشور با جنگ نرم در اینجاست که از یک سو، رسالت مجموعه‌های دفاعی، دفاع از مرزهای ملک و مملکت است. از سوی دیگر، یکی از کارکردهای جنگ نرم، ترویج بی‌مرزی و تهی ساختن فرهنگ دفاعی از عناصر الهام‌بخش و پیشران‌های اسلامی و انقلابی است.

- در این نظام حکومتی، همان اندازه که امنیت متداول در نظام‌های سیاسی مهم است، به همان میزان و ای بسا فراتر از آن سلامت و نشاط ارزش‌هایی که دلیل وجودی آن هستند، نیز از اهمیت برخوردار است.

- دشمن از ملازمه کالبد سیاسی نظام که با سایر نظام‌های سیاسی اشتراکاتی دارد و روح ایدئولوژیک نظام، که موجب تمایز آن از سایر نظام‌های سیاسی شده است، غافل نشده و مجموعه‌ای از خصومت‌های سخت و نرم را با رویکرد سرکوب، انقراض، انحراف و یا در کنترل گرفتن نهاد انقلاب اسلامی به کار بسته است. در این میان، تهاجم علیه وجوه باطنی انقلاب اسلامی از وسعت، شدت و استمرار بیشتری برخوردار است.

- عملیات نفوذ دشمن در فرهنگ دفاعی، در بُعد فیزیکی به تغییر در ارزش‌های وطن‌دوستی و مرزبانی و در بُعد نظری به مستحیل کردن نگاه خودی و غیرخودی منجر می‌شود. چنانچه در جامعه دفاعی نهادینه شود، انگیزش‌های معنوی دفاع را مضمحل و زمینه را برای هرگونه اقدام سخت دشمن فراهم می‌کند.

- نفوذ در فرهنگ دفاعی کشور با ایجاد وضعیت موربانه‌ای و تهی‌سازی انقلاب از روح سازنده و جهادی خود، زمینه را برای اقدامات سخت و از میان برنده، فراهم می‌کند.

- در چهار دهه گذشته، سازوکارهایی مانند استحاله، تضعیف، تهی‌سازی و تغییر جایگاه و هندسه ارزش‌ها توسط تشکیلات جنگ نرم و نفوذ دشمن صورت گرفته است، اما تا زمانی که آنها از به نتیجه رسیدن این خصومت‌های مبتنی بر جنگ نرم و نفوذ مطمئن نشوند، به جنگ نظامی مبادرت نخواهند کرد. صرف اطلاع یافتن از این نیات دشمن برای حفظ جمهوری اسلامی از دستبرد دشمن کافی نیست و متولیان امر می‌باید برای بازدارندگی و بالندگی فرهنگ دفاعی کشور به تأسیس و یا تقویت نهادهای مقابله‌ای مؤثر اقدام کنند.

منابع

- آشتیانی، رضا، ۱۳۹۰، «تبیین مؤلفه‌های نظری عوامل غیرفیزیکی تأثیرگذار بر توان رزمی نیروهای نظامی»، *راهبرد دفاعی*، سال نهم، ش ۳۲، ص ۶۹-۱۰۹.
- آقابختی، علی اکبر و مینو افشاری‌راد، ۱۳۸۳، *فرهنگ علوم سیاسی*، تهران، چاپار.
- احمدیان، علی اکبر، ۱۳۹۴، «نظریه نفوذ؛ تبیین ماهیت انواع نفوذ و رابطه آنها با دستگاه چهار طبقه تهدید (با بهره‌گیری از دیدگاه‌ها و بیانات امام خامنه‌ای)»، *آفاق امنیت*، سال هشتم، ش ۲۸، ص ۳۵-۶۸.
- اخوان کاظمی، بهرام، ۱۳۸۶، «بررسی تعاملات فرهنگ سیاسی و تحزب در ایران»، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، سال دوم، ش ۴، ص ۷-۳۳.
- استراوس، آنسلم و جولیت کرین، ۱۳۹۴، *مبانی پژوهش کیفی*، ترجمه ابراهیم افشار، تهران، نشر نی.
- افتخاری، اصغر، ۱۳۹۱، *تهدید نرم؛ رویکردی اسلامی*، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- الوانی، سیدمهدی، ۱۳۸۶، *مدیریت عمومی*، تهران، نشر نی.
- بابایی، محمدمباقر، ۱۳۹۶، «راهبرد مقابله با جریان نفوذ از منظر قرآن»، *سیاست دفاعی*، سال بیست و پنجم، ش ۹۸، ص ۱۶۳-۱۸۹.
- باقری چوکامی، سیامک، ۱۳۹۲، *موج چهارم جنگ نرم؛ تدوین راهبردهای مقابله با جنگ نرم در دهه چهارم انقلاب اسلامی*، تهران، دانشگاه عالی دفاع ملی.
- ____، ۱۳۹۶، «تحول پارادایمی نفوذ و ملاحظات امنیتی»، *پژوهش‌های حفاظتی-امنیتی*، سال ششم، ش ۲، ص ۱-۲۴.
- باقری، محمد، ۱۳۹۶، *جریان‌شناسی نفوذ و راه‌های مقابله با آن*، تهران، آفاق روشن بیداری.
- پریشان، فتح‌الله، ۱۳۹۴، *فرهنگ دفاعی؛ با رویکرد دشمن‌شناسی و ابعاد نفوذ آن*، تهران، انتشارات دفاع.
- جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۴، *نفوذ؛ بررسی ابعاد پروژه نفوذ در جمهوری اسلامی*، تهران، نمایندگی ولی فقیه در سپاه.
- جوانی، یادلله، ۱۳۸۷، «تهدید نرم و راه‌های مقابله با آن»، *میثاق*، سال اول، ش ۲، ص ۷۳-۱۲۸.
- حاذق، حمید، ۱۳۹۴، «خاستگاه و بسترهای نفوذ فکری، فرهنگی و سیاسی با تأکید بر نفوذ آمریکا در ایران»، *مطالعات عملیات روانی*، سال یازدهم، ش ۴۲، ص ۳۳-۶۴.
- حسینی، مهدی و همکاران، ۱۳۹۶، *انقلابی بودن و انقلابی ماندن*، تهران، انتشارات دفاع.
- خاتمی، سیداحمد، ۱۳۹۱، *چکامه‌هایی در تئوسه‌سازی*، تهران، سوره مهر.
- خامنه‌ای، سیدعلی، ۱۳۹۶، بیانات در دیدارهای مختلف با مسئولان، مردم، بسیجیان، دانشگاهیان، روحانیون و... قابل‌دسترسی در: نرم‌افزار حدیث ولایت.
- خرم، مسعود، ۱۳۷۶، *هویت*، تهران، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی جماران.
- درویش‌شانی، حسن، ۱۳۹۳، «دفاع هوشمند و قدرت معنوی در اندیشه‌های امام خامنه‌ای»، مجموعه مقالات دومین همایش تبیین اندیشه‌های دفاعی امام خامنه‌ای، تهران، سازمان عقیدتی سیاسی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح.
- ساجدی، سعید، ۱۳۸۸، *اصول و مبانی جنگ نرم*، تهران، دانشکده اطلاعات.
- صالحی، محمود، ۱۳۹۶، «سنخ‌شناسی نفوذ امنیتی و اطلاعاتی»، *جامعه‌اطلاعاتی*، سال هشتم، ش ۲، ص ۷-۲۸.
- طالعی حور، رهبر و رستم بهرامی، ۱۳۹۶، «راهبرد نفوذ ایالات متحده آمریکا و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری»، *مطالعات انقلاب اسلامی*، سال چهاردهم، ش ۴۸، ص ۷۱-۹۰.
- طاهری، سیدامین، ۱۳۹۵، «تغییر دستگاه محاسباتی مردم و مسئولین در افزایش قدرت موشکی؛ سیاست آمریکا در دوران ابتدایی پسابرجام»، *امنیت دفاعی*، ش ۱۴، ص ۷۵-۱۱۵.
- عاملی، سیدسعیدرضا، ۱۳۸۹، *مطالعات انتقادی استعمار مجازی آمریکا؛ قدرت نرم و امپراتوری‌های مجازی*، تهران، امیرکبیر.

- عسگری، محمود، ۱۳۹۰، *جنگ نرم در عرصه دفاع ملی*، تهران، دانشگاه امام صادق ع.
- غضنفری، کامران، ۱۳۸۰، *آمریکا و براندازی جمهوری اسلامی ایران*، تهران، کیا.
- فرهادی، علی و همکاران، ۱۳۹۷، «تبیین اندیشه‌های حضرت امام خامنه‌ای پیرامون نفوذ»، *مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی*، سال هشتم، ش ۳۳، ص ۳۳-۶۱.
- فیض، داود و همکاران، ۱۳۹۴، «شناسایی ذهنیت افراد نسبت به نفوذ دشمن با استفاده از روش کیو»، *سیاست دفاعی*، سال بیست و چهارم، ش ۹۳، ص ۷۳-۱۰۰.
- قربی، سیدمحمدجواد، ۱۳۹۵، «هندسه عزت، حکم و مصلحت در اقتصاد مقاومتی»، *پدافند اقتصادی*، سال سوم، ش ۲۵، ص ۶-۱۲.
- _____، ۱۳۹۶، «نفوذ فرهنگی، تأملاتی در شیوه نفوذ در نهادهای آموزشی ایران از منظر اسناد لانه جاسوسی آمریکا»، *پانزده خرداد*، سال پانزدهم، ش ۵۴، ص ۹۵-۱۳۶.
- قوام، عبدالعلی، ۱۳۹۰، *سیاست‌شناسی: مبانی علم سیاست*، تهران، سمت.
- قیصری، نورالله و احسان خضری، ۱۳۹۵، «سیاست دفاعی نظام جمهوری اسلامی ایران: بررسی اسناد کلان»، *رهیافت انقلاب اسلامی*، سال دهم، ش ۳۷، ص ۵۷-۷۴.
- کرمی، علی، ۱۳۹۵، *مفهوم‌شناسی نظری نفوذ*، تهران، مرکز مطالعات راهبردی تربیت اسلامی.
- کریمی‌مله، علی، ۱۳۹۳، «امنیت جامعه‌ای و سیاسی از رهگذر سیاست‌گذاری اجتماعی»، *مطالعات راهبردی*، سال هفدهم، ش ۶۵، ص ۳۵-۷۱.
- کوهپای، محمد، ۱۳۷۸، «*مام خمینی و دفاع فرهنگی*»، مجموعه مقالات همایش سیری در اندیشه‌های دفاعی امام خمینی ع، تهران، انتشارات دفاع.
- لطفی مرزناکی، رحمان، ۱۳۹۴، *دفاع هوشمند در اندیشه امام خامنه‌ای*، تهران، آوای سبحان.
- لطیفی پاکده، لطفعلی، ۱۳۸۶، «براندازی نرم»، *حصون*، سال چهارم، ش ۱۳، ص ۱۲۶-۱۴۳.
- لطیفی، میثم و همکاران، ۱۳۹۵، «شناسایی و توصیف مؤلفه‌های سازمان‌های جهادی»، *مدیریت اسلامی*، سال بیست و چهارم، ش ۲، ص ۱۳۵-۱۶۵.
- مارش، دیوید و جری استوکر، ۱۳۸۴، *روش و نظریه در علوم سیاسی*، ترجمه امیرمحمد حاجی‌یوسفی، تهران، مطالعات راهبردی.
- متقی، ابراهیم و همکاران، ۱۳۹۳، «*تهجیدات هویت اسلامی و ملی؛ سطوح کلان و خرد و میانی*»، مجموعه مقالات دومین همایش تبیین اندیشه‌های دفاعی امام خامنه‌ای، تهران، سازمان عقیدتی سیاسی وزارت دفاع.
- محخص، مرضیه، ۱۳۹۵، «راهبردهای نفوذ اجتماعی از رهگذر خطبه قاصعه»، *النهج*، سال پانزدهم، ش ۴۸، ص ۱۴۱-۱۶۹.
- مردادیان، محسن، ۱۳۹۱، *مبانی نظری امنیت*، تهران، دانشکده علوم و فنون فزایی.
- مطهرنیا، مهدی، ۱۳۷۸، «*فرهنگ دفاع و دفاع فرهنگی*»، مجموعه مقالات همایش سیری در اندیشه‌های دفاعی امام خمینی ع، تهران، انتشارات دفاع.
- مؤسسه آوای بینش، ۱۳۹۶، *نفوذ: ابعاد، ابزارها و موانع نفوذ دشمن از دیدگاه رهبر معظم انقلاب*، تبریز، عاصم.
- هزاوه‌ای، سیدمرتضی و محدثه حیدری، ۱۳۹۱، «مردم‌سالاری دینی در ایران و ظرفیت الگوسازی آن در کشورهای اسلامی منطقه»، *پژوهش‌های انقلاب اسلامی*، سال یکم، ش ۲، ص ۱۷۳-۱۹۸.
- والر، میشل، ۱۳۹۴، *نفوذ راهبردی دیپلماسی عمومی؛ تبلیغ متقابل، جنگ سیاسی آمریکا*، ترجمه محمد غفاری، تهران، مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.